



انسان گرایی ناممکن (۱۲)

مفهوم دین و مشترکات انسانی

ابراهیم الرّمّاح | ترجمه: عبدالله شیخ آبادی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان‌گرایی ناممکن (۱۲) مفهوم دین و مشترکات انسانی

در تعامل با مردم، باید نیت تعبد برای الله و یاد آخرت را حاضر داشت. ابن تیمیه می‌گوید: «هدف اصلی دین حق، صرفاً تأمین منافع دنیوی از طریق برقراری عدالت در امور روزمره مردم نیست. این دیدگاهی است که برخی فلاسفه درباره هدف نوامیس (قوانین و شرایع) و نبوت‌ها مطرح می‌کنند؛ آن‌ها معتقدند که مقصود از این دو، تنها وضع یک قانون عادلانه برای سامان دادن به معاش و زندگی دنیوی انسان‌هاست. اما چنین هدفی، شاید شایسته دین کسانی باشد که به الله و رسولش ایمان ندارند...»^۱

^۱ ابن تیمیه، جامع الرسائل (۲/ ۲۳۱).

فخر رازی می‌گوید: «واجب است که بزرگداشت امر الله بر شفقت بر خلق الله

مقدم باشد. سخن خداوند که می‌فرماید: **{يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ**

بِهِ} [غافر: ۷] (به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند)،

نشان‌دهنده بزرگداشت امر الله است و این سخن او که می‌فرماید:

{وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا} [غافر: ۷] (و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، طلب

آمرزش می‌کنند)، نشان‌دهنده شفقت بر خلق الله است.^۱ و خداوند متعال

می‌فرماید: **{وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ}** [الذاریات: ۱۹] (و در

اموالشان برای سائل و محروم، حقی [معین] بود). رازی می‌گوید: «بارها

گفته‌ایم که الله تعالی پس از ذکر بزرگداشت خود، از شفقت بر خلقش یاد

می‌کند.^۲» و معلوم است که بزرگداشت امر الله باید بر شفقت بر خلق الله

مقدم باشد.^۳

^۱ فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب (۴۸۹ / ۲۷).

^۲ همان منبع (۱۶۹ / ۲۸).

^۳ فخرالدین رازی، مفاتیح الغیب (۱۹ / ۲۸).

مفهوم دین و مشترکات انسانی

درحالی‌که «جهان‌بینی جاهلی، انسان‌محور بود»^۱ در نظام قرآنی حتی یک حوزه‌ی معنایی هم یافت نمی‌شود که مستقیماً به مفهوم محوری «الله» مرتبط نباشد و تحت حاکمیت آن قرار نگیرد. این وضعیت، مقصود از این سخن است که «جهان قرآن، خدامحور است»^۲. «در جهان‌بینی قرآنی، یک انسجام مفهومی و احساسی از یک نظام حقیقی وجود دارد که بر مفهوم «الله» استوار است و حول آن می‌چرخد؛ چیزی که در نظام جاهلی وجود نداشت... تمام مفاهیمی که مستقیماً به دین و ایمان مرتبطند، بلکه همه‌ی اندیشه‌های اخلاقی و حتی مفاهیمی که جنبه‌های دنیوی را نمایندگی می‌کنند، مانند ازدواج، طلاق، ارث و مسائل تجاری مانند قراردادهای دیون، ربا، پیمان‌ها و ترازوها... الی آخر، همگی در یک رابطه‌ی مستقیم با مفهوم «اله» قرار داده شده‌اند»^۳.

^۱ توشیهیکو ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن: معناشناسی جهان‌بینی قرآنی، (ص ۷۷).

^۲ همان منبع، (ص ۱۲۹).

^۳ همان منبع، (ص ۷۸).

مفهوم دین و مشترکات انسانی

تفاوت اساسی میان دین الهی و دین انسان‌گرا در همین جاست: دین انسان‌گرا تنها به دنیا اهمیت می‌دهد و حقیقت دین را به حسن معاشرت با مردم تقلیل می‌دهد. این نگرش در زمانه ما، خود را در مبالغه پیرامون «مشترکات انسانی» و تلاش برای محدود کردن اسلام به این حوزه نشان می‌دهد.

انگیزه این رویکرد مبالغه‌آمیز را می‌توان در دو عامل اصلی جستجو کرد. از یک سو، این نگرش از یک استراتژی دفاعیِ انفعالی و تسلیم‌جویانه نشأت می‌گیرد - به روش وکیل مدافع‌های تسلیم‌گرا^۱ - که می‌کوشد برچسب خشونت و سنگدلی را از چهره اسلام بزداید و از سوی دیگر، این رویکرد ناشی از میل به همسویی و سازگاری با گفتمان غالب انسان‌گرایی در عصر حاضر است.

این مفهوم (مفهوم مشترکات انسانی) با دعوت پیامبر ﷺ بیگانه نبود. ایشان به نیکی، صلۀ رحم، راستی، وفا، ادای امانت، نیکی در حق همسایگان و

^۱ چنانکه معلمی در الأنوار الکاشفة بیان کرده است، (ص ۱۸).

مفهوم دین و مشترکات انسانی

عدالت امر می‌کرد و از ظلم و دشمنی و خوردن مال یتیم باز می‌داشت. این بخشی از همان چیزی است که جعفر بن ابی‌طالب دربارهٔ حقیقت اسلام برای نجاشی در حبشه بیان کرد و بسیار بر او تأثیر گذاشت.

خردمندان همهٔ امت‌ها بر نیکویی این امور و غیر آن اجماع دارند و هدف این نیست که هنگام دعوت به اسلام و بیان زیبایی‌هایش، این موارد نادیده گرفته شوند؛ اما باید دانست که این «مشترکات» به تنهایی، اسلام نیست بلکه سرآغاز کار، شهادتین است و پیامبر ﷺ برای همین جنگید، آنجا که فرمود: «مأمور شده‌ام که با مردم بجنگم تا شهادت دهند که معبودی به حق جز الله نیست و محمد فرستادهٔ الله است، و نماز را برپا دارند و زکات را بپردازند. پس اگر چنین کنند، خون و مالشان را از من در امان داشته‌اند، مگر به حق اسلام، و حسابشان با الله است»^۱.

پس مقصود از دین، فقط آباد کردن دنیا - بدون عمل برای آخرت - یا اکتفا به «مشترکات انسانی» نیست. «مراد از شرع، صرفاً عدالت میان مردم در

^۱ صحیح بخاری (۲۵).

مفهوم دین و مشترکات انسانی

معاملاتشان نیست»^۱ چرا که بزرگترین ظلم، شرک ورزیدن به الله متعال است و این، امری متفاوت از ظلم به مخلوقات است. و «این فلاسفه... شرایع، نوامیس و ادیان را از این جنس می‌دانند که قانونی برای تأمین مصلحت زندگی دنیوی وضع کنند و به همین دلیل در آن نه به توحید که همان عبادت الله یگانه است امر می‌کنند و نه به عمل برای سرای آخرت، و نه از شرک باز می‌دارند؛ بلکه به عدالت و راستی و وفای به عهد و اموری از این دست که مصلحت زندگی دنیا جز با آن‌ها کامل نمی‌شود، امر می‌کنند و هر نوع پرستشی را چه برای موحدانِ مخلص و چه برای مشرکان، به یکسان تجویز می‌کنند... بنابراین، اگر مقصودِ دین و قانونِ وضع‌شده، چیزی جز جلب منفعت و دفع ضرر در این دنیا نباشد، چنین کسانی در آخرت هیچ بهره‌ای نخواهند داشت»^۲.

^۱ ابن تیمیه، التدمریة، (ص ۲۱۳-۲۱۴).

^۲ ابن تیمیه، جامع الرسائل (۲/ ۲۳۲-۲۳۳). و بنگرید به: الرد علی المنطقیین (ص ۴۶۱).

مفهوم دین و مشترکات انسانی

راه میانه در قضیه مشترکات انسانی، میان دو طرف است: گروهی که اسلام را از معانی انسانی‌اش تهی کردند، و گروهی که اسلام را انسان‌گرا کرده و آن را در همان معانی مشترک میان ملت‌ها خلاصه کردند. گفتمان صرفاً انسان‌گرایانه اغلب کسانی را به خود جذب می‌کند که روحیه‌ای نرم و سازشکار دارند و به صلح‌جویی و پرهیز از درگیری تمایل دارند؛ زیرا در اوهام رؤیایی سرزمینی خالی از درگیری‌ها زندگی می‌کنند.

ام‌المؤمنین، عایشه، از پیامبر ﷺ دربارهٔ مردی پرسید که با معیارهای انسان‌گرایانهٔ امروزی، شخصی ایده‌آل به شمار می‌رفت. او می‌گوید: «گفتم: ای رسول خدا، ابن جُدعان در دورهٔ جاهلیت صلهٔ رحم به جا می‌آورد و به مستمندان غذا می‌داد، آیا این برایش سودی دارد؟» پیامبر ﷺ فرمود: «برایش سودی ندارد، چرا که او حتی یک بار هم نگفت: پروردگارا، در روز جزا خطایم را بر من ببخش».^۱

^۱ صحیح مسلم (۲۱۴).

مفهوم دین و مشترکات انسانی |

اینجا پیامبر ﷺ بیان فرمود که در آخرت، چیزی جز اسلام فرد را نجات نمی‌دهد و این مصداقِ این سخن خداوند متعال است که می‌فرماید: **وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ** {آل عمران: ۸۵} (و هرکس جز اسلام، دینی [دیگر] بجوید، هرگز از او پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است).

از جمله آثار گرایش انسان‌گرایانه‌ای که به برخی سرایت کرده، مبالغه در توجه به بهره‌دنیوی و عاجل‌انسان از عبادات، و غفلت از توجه به معنای تعبد و کسب تقوا در آنهاست. ابوحامد غزالی این مسئله را چنین به تصویر می‌کشد: «چه بسا فردی از آنان را می‌بینی که قرآن می‌خواند، در نمازهای جماعت حاضر می‌شود و بر زبان، شریعت را بزرگ می‌شمارد، اما با این حال، شراب‌خواری و انواع فسق و فجور را ترک نمی‌کند. اگر به او گفته شود: اگر شریعت صحیح نیست، پس چرا نماز می‌خوانی؟ شاید بگوید: برای ورزش بدن، به خاطر عادات و سنت‌های مردم شهر [و هم رنگ شدن با جماعت] و برای حفظ مال و فرزندان. و شاید بگوید: شریعت صحیح است و نبوت حق

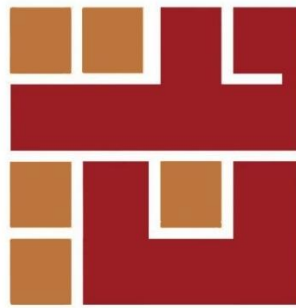
مفهوم دین و مشترکات انسانی

است. آنگاه به او گفته می‌شود: پس چرا شراب می‌نوشی؟ می‌گوید: شراب از آن جهت حرام شده که کینه و دشمنی می‌آورد و من با حکمت خود از آن پرهیز می‌کنم و قصدم از نوشیدن، صیقل دادن ذهنم است. تا جایی که ابن سینا در وصیت‌نامه‌اش ذکر کرده که با خدا عهد بسته چنین و چنان کند، و اینکه شعائر شرعی را بزرگ بدارد، در عبادات دینی کوتاهی نکند و شراب را نه برای سرگرمی، بلکه برای درمان و شفا بنوشد. نهایت حال او در صفای ایمان و پایبندی به عبادات این بود که نوشیدن شراب را برای شفا استثنا کرد. این است ایمان کسانی از آنان که ادعای ایمان دارند و گروهی فریبشان را خورده‌اند...»^۱

اینکه شریعت، دنیا و حیات مردم را به سامان می‌آورد، به معنای محدود کردن آن به این هدف و غفلت ورزیدن از در نظر گرفتن کسب تقوا، تقرب به الله و قصد سرای آخرت با عمل صالح نیست..

^۱ ابو حامد غزالی، المنقذ من الضلال، (ص ۱۹۳).

مفهوم دین و مشترکات انسانی



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies